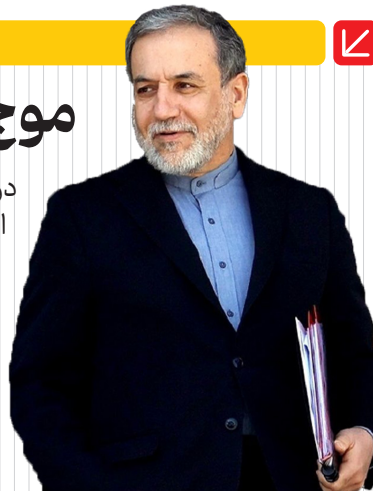


موج دوم استیضاح عراقچی

دو روز پس از انتشار خبری مبنی بر امضای ۳۵ نماینده مجلس برای استیضاح وزیر امور خارجه کشورمان، روز گذشته دومین تقاضای استیضاح عراقچی به فاصله چند روز با محوریت حاجی دلیگانی نماینده مردم شاهین شهر در مجلس ثبت شد. کژکارکردی‌های عراقچی در صندلی وزارت خارجه، عملکرد ضعیف در ارزیابی احتمال شروع جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، ضعف مفرط در حوزه دیپلماسی اقتصادی، انتصاب چهره‌های صرفاً سیاسی به عنوان سفیر و نبود شایسته سالاری در دستگاه دیپلماسی کشور، عدم وجود ابتکار در حوزه سیاست خارجی و... برخی از مهم‌ترین محورهای این استیضاح است.

۳



تئوری پردازی برای تسلیم

انتشار هر قسمت تازه از ویدئوی صحبت‌های محمد جواد ظریف، علاوه بر آشکار کردن عمق خطای محاسباتی و ساده‌انگاری او در تحلیل تحولات بین‌المللی، پالس‌های تازه‌ای از سوی جریان برجانی، وفاقی، کارگزارانی و اصلاح‌طلب مخابره می‌کند؛ پالس‌هایی که در کنار سخنان اخیر حسین مرعشی، یک پیام خطرناک را به طرف آمریکایی منتقل می‌کند: فشار را افزایش دهید؛ جریانی در داخل همچنان آماده عقب‌نشینی است و تسلیم را با عنوان «تصمیم سخت» صورت‌بندی می‌کند.

۷



عبور شعام از تفاهم‌نامه

۲

انتقاد جلیلی از بازداشت رسایی؛ مغایر با الزامات وحدت

۲



پیروان هاشمی رفسنجانی؛ تاپای جان برای آمریکا!

میلاد آصفری
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

اقتصادی

صفحه ۱۱

فرهنگی

لیست پاداش‌های نجومی را منتشر کنید

سخنان دیروز پزشک‌های نشان داد که دولت چهاردهم همچنان در بند گفتار درمانی و ایفای نقش منتقد است. آقای رئیس‌جمهور همان‌طور که از پاداش‌های میلیاردی خبر داد، باید اسامی این مدیران را منتشر کند.

«مثلی» باید متولد می‌شد

مراسم رونمایی از کتاب «مثلی» با حضور جمعی از نویسندگان، اهالی فرهنگ و فعالان رسانه‌ای برگزار شد. این اثر از شمند مجموعه‌ای مشتمل بر بیست و یک روایت شخصی و متفاوت از لحظه شنیدن خبر شهادت آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای است.

غلامحسین کرباسچی در گفتگویی که به تازگی منتشر شد، گفته است اگر به جای پزشک‌های بود و به نیویورک می‌رفت حاضر بود با ترامپ دیدار کند! نکته‌ی جالب اینکه کرباسچی گفته حتی حاضر است عواقب و تبعات این کار را به جان بخرد و به قول هاشمی رفسنجانی، «فوقش می‌خواهند اعدامان کنند دیگر!». اما این استناد به مرحوم هاشمی از طرف کرباسچی و اساس استدلال او برای مذاکره، آنجا جالب ترمی شود که او خود و هم حزبی‌هایش را «پیروان آقای هاشمی» معرفی می‌کند و بر همین مبنا برای مخاطب نسخه می‌پیچد.

متن کامل در صفحه ۳

نوبنیاد از اهمیت تاکید چندباره دبیر شورای عالی امنیت ملی بر پایان الگوی پیشین دیپلماسی گزارش می‌دهد

عبور شعام از تفاهم‌نامه

همچنان بر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تأکید دارند؛ موضوعی که ضرورت انسجام در مواضع رسمی و ارسال پیامی واحد به دشمن را دوچندان می‌کند.

تاکید سرلشکر رضایی بر بازنگشتن به الگوی پیشین دیپلماسی، بار دیگر ضرورت بازتعریف راهبرد ایران در مواجهه با آمریکا را برجسته کرده است؛ آن هم در شرایطی که برخی مقامات



نامه اسلام‌آباد، محقق نشود تنگه‌ی هرمز باز نخواهد شد. «

همچنین پزشک‌یان، در دیدار با پوتین مطرح کرد: «در حال گفتگو هستیم، اما هر بار که با آمریکا گفت‌وگو می‌کنیم، دوباره حمله می‌کنند، ولی ما از میز مذاکره و گفت‌وگو کنار نخواهیم کشید. پیشنهادهایی داده بودیم و آمریکایی‌ها نیز پیشنهاداتی جدیدی داده بودند. بر روی این پیشنهادها اصلاحات خود را انجام داده‌ایم. قرار است پس از نهایی شدن، از طریق رابطینی که وجود دارند بنشینیم و آن‌ها را جمع بندی کنیم.» پزشک‌یان پیش از این نیز از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به عنوان مرکز ثقل روابط خارجی یاد کرده و گفته بود: «تفاهم‌نامه‌ای که امضا شد حاصل خرد جمعی اعضای شعام بود و همه اعضا با آن همدلی دارند. باور دارم این تفاهم‌نامه مرکز ثقل روابط خارجی ما در آینده خواهد بود. باید بگوئیم دشمن را وادار کنیم به آنچه امضا کرده پایبند بماند. امنیت کشور، منطقه و هم‌پیمانان ما با این تفاهم‌نامه ارتقا می‌یابد.» بنابراین در شرایطی که عبور از اسلام‌آباد ضروری و دبیر شعام طی ماه‌های اخیر دوبار بر آن تأکید کرده است. ضروری است سایر مقامات عالی رتبه کشورمان در بیان مواضع و نظرات خود از رویکرد جدید و قطعی جمهوری اسلامی ایران پیروی و تبعیت کنند و مانعی در ایجاد فضای تغییر نباشند، تا به دشمن یک پیام واحد مخابره گردد.

دشمن فرسایش تاب‌آوری و اراده ملت ایران است. و هر روز تأخیر در اقدام بازدارنده می‌تواند فشارها را تشدید کند و هزینه‌های مقاومت را افزایش دهد. از این رو، در شرایط محاصره اکتفا و پایبندی و خوش‌خیالی به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، روز به روز به تشدید فشارها و کاهش تاب‌آوری اقتصادی منجر می‌گردد.

مفتی است که عملیات‌های بازدارنده و متقابل نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خلیج فارس در راستای همین گذر و عبور از اسلام‌آباد تعریف می‌شود. بویژه اینکه صبح روز یکشنبه ۱۹ مهرماه سومین نفتکش متخلف از نوع سوپر تانکر در تنگه هرمز مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش سوزی شد.

با این حال و با وجود اینکه شورای عالی امنیت ملی، بویژه سرلشکر رضایی از عدم بازگشت قطعی به اسلام‌آباد تأکید دارد. همچنان برخی از مقامات بر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تأکید دارند. محمداقرا قالیباف، رئیس تیم مذاکره کننده در نطق پیش از دستور خود در هفته گذشته بر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تأکید کرده بود: «آمریکایی‌ها که در رسانه‌ها حرف دیگری می‌زنند، اخیراً از طریق میانجی، پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند. اما باید متوجه باشند که دوران فرسایش زمان و دیکته کردن مطالبات یک طرفه گذشته است و موضع جمهوری اسلامی ایران کاملاً شفاف و قطعیت و تا زمانی که هفت شرط ما بر اساس تفاهم

امیرحسین درکی

روزنامه نگار

پیش و پس از تفاهم اسلام‌آباد، ضرورت تغییر رویکرد در نوع کنشگری در مقابل دشمن آمریکایی به شدت احساس می‌شد. مروری بر مواضع سرلشکر رضایی، دبیر شعام حاکی از بازتعریف و آسیب‌شناسی بنیادی در کنشگری دیپلماسی جنگ است. سرلشکر رضایی، شامگاه یکشنبه ۱۹ مهر، در گفت‌وگو با شبکه «پرس تی‌وی» از تغییر راهبردی رویکرد دیپلماسی کشورمان خبر داد و تأکید کرد: «دیپلماسی ایران تغییر کرده و دیگر به الگوی دیپلماسی گذشته باز نخواهیم گشت.» وی همچنین تأکید کرد: «ما سه دور مذاکره برگزار کردیم و در هر سه دور، آمریکایی‌ها مذاکرات را نیمه‌تمام رها کرده و به ایران حمله کردند؛ بنابراین دیگر به الگوهای دیپلماتیک پیشین باز نخواهیم گشت.» وی همچنین در ۱ مهر تصریح کرده بود: «ما دیگر به دیپلماسی گذشته و اوضاع اسلام‌آباد و قبل از آن برنمی‌گردیم؛ آمریکایی‌ها اول باید ۷ شرط ایران را عملی کنند وگرنه نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکراتی آغاز می‌شود.»

تغییر رویکرد دیپلماسی محافظه کارانه از مهم‌ترین ضرورت‌هایی بود که در ایام منتهی به انتخابات کنگره آمریکا به شدت احساس می‌شد. چراکه هدف

راهبرد دفاعی ایران در فصل جدید جنگ

روح‌الله نجابت، عضو کمیسیون امنیت ملی با اشاره به این نکته که دشمن جنگ شناختی را ابزاری برای جبران شکست‌های میدانی میدانند، تصریح کرد: آمریکا برای پر کردن خلأ دستاوردهایش، ابزارهای رسانه‌ای، اقتصادی و نظامی را همزمان به کار گرفته است. نجابت با اشاره به تغییر الگوی دفاعی ایران خاطرنشان کرد: ما به گفته‌های دشمن نه به عنوان واقعیت، بلکه به عنوان رصدی برای تحلیل می‌نگریم تا بفهمیم در محیط واقعی جنگ چه می‌گذرد. نماینده مردم شیراز در مجلس حضور مردم در میدان را سرمایه بزرگ اجتماعی دانست و افزود: نبرد وارد فصلی جدید شده که در آن نه دشمن توان شکست دادن ما را دارد و نه پایان جنگ بدون دستاورد را متصور است. وی با تأکید بر پیروزی نهایی، نسبت به اظهارنظرهای عجولانه داخلی هشدار داد و گفت: برخی سخنان شتاب‌زده تحت عنوان راهگشایی دیپلماتیک، فرصتی برای تنفس و بازسازی قوای دشمن فراهم کرده است.

یادداشت

مرعشی و باهنر؛ دو بیان، یک نگاه

مجید دوستعلی
نماینده مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی

چند سال پیش، در یکی از دوره‌های مجلس، آقای باهنر کاندیدای نمایندگی از کرمان بود و دعوای داغ انتخاباتی اصولگرا و اصلاح طلب برقرار بود. جلسه‌ای بود و چند نفر از جوانان آن زمان نشسته بودیم. بحث‌های مختلفی پیش آمد و در آن بین، یکی از دوستان حاضر که از چهره‌های دانشگاهی بود، گفت: «من فرقی بین آقای مرعشی و آقای باهنر نمی‌بینم.» گفتم: «چرا؟» گفت: «هر دو جناحی فکر می‌کنند و جناح و گروه برایشان خیلی مهم است و همه را با همین شاخص می‌سنجند و لاغیر.» آن روز گذشت تا امروز؛ اخیراً مطالب آقای مرعشی را در ارتباط با جنگ و مذاکره شنیدم که از موضع بالا برای مسئولین کشور در حوزه نظامی و امنیتی تعیین تکلیف می‌کنند و از «جمهوری اسلامی اصلاح‌شده» – بفرمایید «جمهوری اسلامی تسلیم‌شده» – سخن می‌گفتند.

از طرف دیگر، آقای باهنر که به نوعی مطالبه مردم در میدان‌ها در مخالفت با مذاکره را القای غیرمستقیم دشمن دانسته، یعنی ملت مبعوث‌شده، غیرمستقیم عامل دشمن هستند، و جایگاه ائمه جمعه و وظیفه تبیینی امامان جمعه در خطبه‌ها، به‌طوری‌که دو خطبه نماز جمعه ارزش دورکعت نماز را دارد، را به نوعی متعرض می‌شوند.

سخنی در یک جهت، البته با بیان و ادبیاتی مختلف، ولی با وحدت مفهوم و معنا؛ ناگهان نظران برادر دانشگاهی‌مان در چند سال پیش در ذهنم تداعی شد که آن سال گفتند فرقی بین آقای مرعشی و باهنر قائل نیستند.

واقعاً، جناب آقایان مرعشی و باهنر؛ یا دشمن را نمی‌شناسید، یا می‌شناسید و خودتان را به ندانستن می‌زنید، و یا خدای نکرده در زمره خودفروختگان به دشمن قرار گرفته‌اید. بد نیست، مخصوصاً آقای باهنر، که ردای ولایت‌مداری و اصول‌گرایی بردوش دارید!! یک بار دیگر دکترین و منظومه فکری امام وفادار شهیدمان در بحث مذاکره با آمریکا را ببینید و بخوانید و هم دیدگاه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌مجتبی امام خامنه‌ای را؛ شاید راه را از چاه پیدا کنید.

خبر کوتاه

روانبخش: سخنرانی ظریف با هدف زمینه‌سازی برای تسلیم و تجزیه ایران بود

نماینده مردم قم در حساب کاربری خود در واکنش به اظهارات ظریف نوشت: همه می‌دانند که ظریف به عنوان معاون راهبردی آقای پزشک‌یان منصوب شد و به دلیل غیر قانونی بودن با فشار مجلس از کار برکنار شد ولی همچنان به صورت غیررسمی در این سمت فعالیت می‌کند! وی افزود: دفاع وی از قرار داد ترکمن چای در میانه جنگ و تشبیه شهرهای ایران و نخجوان به پای فاسد که باید قطع می‌شد، اعلام آمادگی برای تقدیم بخش‌هایی از ایران به دشمن است! معلوم نیست که این بار ظریف کدام بخش را آماده تقدیم کرده است؟! آذربایجان شرقی و غربی یا خوزستان یا سیستان و بلوچستان یا جزایر در دریای همیشه خلیج فارس!! نماینده مردم قم تصریح کرد: طرح چنین مباحثی در حین جنگی که دشمن ما را به نابودی کامل تهدید می‌کند بدون حساب و کتاب و از سرتاق نمی‌تواند باشد بلکه نوعی زمینه‌سازی برای تسلیم ایران یا تجزیه آن است! آیا وقت آن نرسیده است که دستگاه قضایی برای یک بار هم که شده این عنصر مشکوک را احضار کند و به عنوان مدعی‌العموم از پرونده برجام که نوعی تسلیم علمی ایران بود و نسبت به پیشنهاد ترکمن چای جدید که نوعی چراغ سبز به دشمن است رسیدگی کند؟

سیاسی

انتقاد جلیلی از بازداشت رسایی؛ مغایر با الزامات وحدت

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در مراسم سالروز عملیات طوفان الاقصی گفت: رهبر معظم انقلاب تأکید کرده‌اند که اختلافات، ولو موجه، نباید موجب برهم خوردن وحدت شود.

وی افزود: در شرایطی که ملت این‌گونه در میدان حضور پیدا کرده و با وحدت از نظام و انقلاب حمایت و پشتیبانی می‌کند، نباید شاهد چنین رویدادهایی باشیم.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: ممکن است موضوعی جنبه قضایی داشته باشد، اما امروز تمام نیروهای انقلاب باید از این مسائل عبور کنند و برای نقش‌آفرینی در تراز شرایط کشور پای کار بایستند. جلیلی در بخش دیگری از سخنانش گفت: اینکه عده‌ای می‌گویند پرچم قرمز را یکی خریده و دست مردم داده، سطح مبتذل جامعه‌شناسی کسانی است که ملت ایران را نشناختند؛ ملتی که ۲۲۰ شب حماسه آفریدند.



یادداشت

پیروان هاشمی رفسنجانی؛
تا پای جان برای آمریکا!میلاد آصفری
روزنامه‌نگار

غلامحسین کرباسچی در گفتگویی که به تازگی منتشر شد، گفته است اگر به جای پزشک‌پس بود و به نیویورک می‌رفت حاضر بود با ترامپ دیدار کند! نکته‌ی جالب این‌که کرباسچی گفته حتی حاضر است عواقب و تبعات این کار را به جان بخرد و به قول هاشمی رفسنجانی، «فوقش می‌خواهند اعدامشان کنند دیگر!». اما این استناد به مرحوم هاشمی از طرف کرباسچی و اساس استدلال او برای مذاکره، آنجا جالب ترمی شود که او خود و هم حزبی‌هایش را «پیروان آقای هاشمی» معرفی می‌کند و بر همین مبنا برای مخاطب نسخه می‌پیچد.

در متن این مصاحبه خبرآنلاین (رسانه نزدیک به جناح اعتدال)، شاید تلاش شده تا اینگونه بازنمایی شود که «مذاکره با آمریکا» گره‌گشای همه مشکلات کشور است اما فرامتن صحبت‌های کرباسچی، پرده از آن واگرایی تاریخی جریان آقای هاشمی از خط ولایت فقیه دارد؛ انحرافی که بیش از سه دهه در این کشور ریشه دوانده، حسن روحانی و جواد ظریف را به ایران تحمیل کرده و حالا ما حاصل مبنای اعتقادی آنها به گزاره‌هایی چون «دنیاى فردا، دنیاى گفتمان هاست»، تبدیل به یادواره‌های پیاپی کودکان میناب در سراسر کشور شده است. با اینحال بیراه نیست که تاریخ سیاسی پس از انقلاب هرازچندگاهی بازخوانی شود تا نسل‌های جدید بدانند که «پیروان آقای هاشمی» چه ویژگی‌ها، چه مسئولیت‌ها، چه کارنامه‌ها و چه موضوعی در این کشور داشته‌اند و دارند. یک نمونه‌ی واضح آن، همین موضع اخیر غلامحسین کرباسچی است. کرباسچی در شرایطی این حرف‌ها را زده که دوده از ارشدترین فرماندهان و دانشمندان کشور به شهادت رسیده‌اند؛ چندین هزار ایرانی بی‌گناه در جنگ و کودتا، قربانی خصومت و کینه‌ی تاریخی آمریکایی‌ها شدند و رهبر فرزانه انقلاب که تار عباى پاره‌پاره او به کرور کرور سیاسی بی‌خاصیت از «چپ و راست و کارگزار» می‌آزید، از سوی شقی‌ترین جنایتکاران و باند‌های تبهکار روی زمین مظلومانه ترور شد و به شهادت رسید. حالا «پیروان هاشمی رفسنجانی» با علم به همه این جنایات از سوی آمریکایی‌ها و مهمتر، با تجربه‌ی چند بار مذاکرات و تقاهم و کلاه رفتن بر سرشان، باز هم خیال می‌کنند چاره مشکلات کشور در گرو امتیاز دادن به آمریکا است و اساساً گوش‌ها و چشم‌های خود را بر روی واقعیات اراده دشمن که رویو و ترامپ و بسنت و هگست فریاد می‌زنند، باز هم بسته‌اند و فقط خیالات خود را واگویند می‌کنند. حالا باز هم مسئله‌ای نیست؛ همانطور که فلسفه وجودی و ضرورت اقتضاء می‌کند، وجود امثال کرباسچی‌ها در هر کشوری، طبیعی و حتی مایه نعمت است اما آنچه از عمق جان تأسف را برمی‌انگیزد، این ادعای کرباسچی است که می‌گوید حاضر است با ترامپ دیدار کند ولو آنکه «اعدام شود». در وهله اول به نظر می‌آید که خب، یک نفر راه نجات کشور را در این موضوع می‌بیند و چه خوب که حاضر است جان خود را فدای این راهکار کند اما مسئله کرباسچی و سایر پیروان آقای هاشمی اساساً، «ایران» نبوده و نیست؛ مسئله آنها همیشه «آمریکا» بوده است. آنها هیچوقت نمی‌گویند حاضرند برای انتقام از خون رهبر شهیدمان، ترامپ را قصاص کنند ولو در این راه شهید شوند بلکه می‌گویند حاضرند برای چیزی که اساساً موهوم و غیر واقعی و بی‌نتیجه است و تمام این خصوصیات برایشان ثابت و تجربه شده، جان خود را فدا کنند! چرا که مسئله‌ی آنها آمریکا است و نه ایران. یک زمانی امام (ره) می‌گفت آنها که خواب آمریکارا می‌بینند، خدا بیدارشان کند و حالا باید گفت آنها‌یی که حاضرند جانشان را برای آمریکا بدهند، خدا....



کرده‌اند و آن را منشأ چالش‌های جدی می‌دانند.

بیگدلی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا هیئت رئیسه مجلس با روند استیضاح همراهی خواهد کرد تا این موضوع به صحن علنی برسد و درباره آن رأی‌گیری شود؟ گفت: مجلس آیین‌نامه مشخصی دارد که در این زمینه صراحت دارد. براساس آیین‌نامه، اگر تعداد امضاکنندگان استیضاح به حد نصاب قانونی برسد، باید مراحل مقرر، از جمله بررسی در کمیسیون مربوطه و اعلام وصول، طی شود تا موضوع در نهایت به صحن علنی مجلس برسد. خواسته ما نیز این است که همه اقدامات در چارچوب قانون انجام شود و مراحل قانونی استیضاح بدون مانع تراشی طی شود.

به گفته این نماینده مجلس، ما مانع قانونی برای این موضوع نمی‌بینیم، زیرا قانون در این زمینه شفاف و صریح است. قانون‌گذار این حق را برای نمایندگان در نظر گرفته است که هرگاه درباره رعایت قانون و خطوط قرمز از سوی عالی‌ترین مقام یک وزارتخانه نگرانی داشته باشند و احساس کنند که این ملاحظات به درستی رعایت نمی‌شود، از ابزارهای نظارتی خود استفاده کنند. نمایندگان نیز در حال حاضر در همین چارچوب قانونی اقدام کرده‌اند و انتظار دارند مراحل استیضاح مطابق قانون پیش برود.



چند روز پس از تصمیم ۳۵ نماینده برای استیضاح وزیر خارجه، دومین استیضاح نیز در ۱۷ محوره به جریان افتاد

موج دوم استیضاح عراقچی

دو روز پس از انتشار خبری مبنی بر امضای ۳۵ نماینده مجلس برای استیضاح وزیر امور خارجه کشورمان، روز گذشته دومین تقاضای استیضاح عراقچی به فاصله چند روز با محوریت حاجی دلیگانی نماینده مردم شاهین‌شهر در مجلس ثبت شد. کژکارکردی‌های عراقچی در صندلی وزارت خارجه، عملکرد ضعیف در ارزیابی احتمال شروع جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، ضعف مفرط در حوزه دیپلماسی اقتصادی، انتصاب چهره‌های صرفاً سیاسی به عنوان سفیر و نبود شایسته سالاری در دستگاه دیپلماسی کشور، عدم وجود ابتکار در حوزه سیاست خارجی و... برخی از مهم‌ترین محورهای این استیضاح است.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

اقتصادی و عدم ابتکار در حوزه سیاست خارجی و اصرار بر روش قدیمی و نخ‌نمای مذاکره با آمریکا در هر شرایط به عنوان تنها راه حل مشکلات کشور.

هیات رئیسه مانع تراشی نکند

در رابطه با مطالبات متعدد نمایندگان برای استیضاح عراقچی، با عباس بیگدلی نماینده ناکستان در مجلس گفتگو کرده‌ایم. وی در پاسخ به این سؤال که استیضاح عراقچی ناشی از چه دغدغه‌ای بود و این موضوع اکنون به چه مرحله‌ای رسیده است؟ گفت: دغدغه اصلی ما، عدول از شروطی است که رهبر رشید و حکیم انقلاب تعیین کرده‌اند و بی‌توجهی به اصول و ملاحظات است که ایشان بر آن‌ها تأکید داشته‌اند. ما شاهد نوعی دوگانگی میان فرمایشات رهبر معظم انقلاب و رفتارهای دستگاه دیپلماسی هستیم. موارد متعددی وجود دارد که آقای عراقچی و دستگاه دیپلماسی در آن‌ها برخلاف خطوط قرمز و شروط تعیین شده عمل کرده‌اند. این مسئله، اصلی‌ترین مبنای ورود نمایندگان به موضوع استیضاح وزیر امور خارجه است.

وی افزود: موارد متعددی در این زمینه مطرح است که یکی از آن‌ها، لایحه مربوط به دریای خزر است. این لایحه با هدف الحاق ایران به کنوانسیون مربوطه به مجلس ارائه شده، اما به اعتقاد ما، باید منافع ملت ایران در آن به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. از یک سو، اگر این کنوانسیون پذیرفته شود، ممکن است منافع ملت ایران در دریای خزر به درستی تأمین نشود و از سوی دیگر، رد آن نیز می‌تواند تبعات و چالش‌هایی به دنبال داشته باشد. بنابراین، این موضوع نیازمند بررسی دقیق و توجه جدی به منافع ملی است. به اعتقاد من، اساساً نباید چنین مسئله‌ای در حوزه سیاست خارجی به این شکل پیش می‌آید و این

لایحه در چنین شرایطی به مجلس ارائه می‌شود. این موضوع نیز از جمله مواردی است که نمایندگان نسبت به آن به شدت ابراز نگرانی

انتقادات از عباس عراقچی شدت گرفته است. او که به واسطه دو بار مذاکره بی‌نتیجه با آمریکا و منتهی به جنگ و همچنین عدم ابتکار عمل در سیاست‌های منطقه‌ای به‌ویژه در موضوع سوریه و همچنین حاشیه‌سازی‌های همسرش، در کانون انتقادات قرار داشت، در جریان مذاکرات اسلام‌آباد و توافق چند روزه میان ایران و آمریکا نیز نتوانست نقش آفرینی موثری داشته باشد و در نهایت به اذعان معاون او (غریب‌آبادی)، تمامی بندهای تقاهم‌نامه طی چند هفته در چارچوب فرمایشی شد. کارنامه پراشکال عراقچی در جریان سفر اخیر او به نیویورک و دیدار بدون مجوز با ویتکاف بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت تا جایی که به خاطر اصرار بر تداوم حضور در آمریکا و مذاکرات، در نهایت به شکلی تحقیرآمیز از سوی وزیر خارجه آمریکا از خاک این کشور اخراج شد.

ناظر به این کارنامه و عملکرد، تعدادی از نمایندگان مجلس تصمیم به استیضاح عراقچی گرفته‌اند. روز گذشته دومین تقاضای استیضاح عراقچی طی روزهای اخیر اینبار با محوریت حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر در مجلس منتشر شد. این استیضاح ذیل ۱۷ بند خطاب به هیات رئیسه مجلس ارسال شده که از جمله آنها می‌توان به مواردی چون عدم اجرای تدابیر رهبر انقلاب در خصوص انتقام و پادریافت غرامت، انجام سلسله اقداماتی بدون مجوز، عدم اجرای قانون اقدام راهبردی و عملکرد ضعیف در حوزه دیپلماسی اقتصادی اشاره کرد.

استیضاح پشت استیضاح

چند روز پیش نیز ۳۵ نماینده دیگر مجلس مطالبه استیضاح عراقچی را مطرح کردند. در استیضاح قبلی، این موارد مطرح بود: نقض خطوط قرمز نظام در مذاکرات متعددی که تا امروز وجود داشته است، خطاهای محاسباتی متعدد و بیان مواضع گمراه‌کننده، مصاحبه‌ها و اعلام مواضع غلط در چند ماه گذشته و تأثیر آنها بر کاهش قیمت جهانی نفت، انتخاب برخی چهره‌های بی‌ربط و صرفاً سفارشی به عنوان سفیران جمهوری اسلامی ایران، عملکرد ضعیف در حوزه دیپلماسی

بازگشت بورس به مدار مثبت با ورود ۳.۵ همت پول حقیقی

نمادها نیز با افزایش قیمت همراه شدند. شاخص کل فرابورس ایران نیز با ۴۱۹ واحد افزایش (۰.۶۵ درصد) در محدوده ۶۵ هزار و ۳۱۳ واحد قرار گرفت. میانگین رشد ۴۱ شاخص صنعت بورس به ۰.۹۰ درصد رسید. در این میان، ۳۱ شاخص صنعت صعودی و ۱۰ شاخص نزولی بودند و ۱۶ صنعت نیز از سقف تاریخی خود عبور کردند. تغییر مسیر بازار سهام از محدوده منفی به مثبت، ورود پول حقیقی و رشد تعداد نمادهای مثبت، چشم‌انداز معاملات امروز را تا حدی تقویت کرده است. با این حال، تداوم روند صعودی به حفظ تقاضا و ادامه ورود نقدینگی بستگی دارد. در صورت افزایش عرضه یا کاهش ورود پول حقیقی، احتمال نوسان و شناسایی سود نیز وجود خواهد داشت.

خرید ۱۰۵ میلیون تومان، بالاتر از سرانه فروش ۹۹ میلیون تومانی قرار گرفت. یکی از نشانه‌های مهم معاملات امروز، افزایش تعداد نمادهای مثبت و برتری صف‌های خرید بود. در پایان معاملات، ۶۲۹ نماد مثبت و ۲۳۰ نماد منفی بودند. همچنین ۴۰۶ صف خرید در برابر ۴۹ صف فروش ثبت شد که از برتری محسوس تقاضا حکایت دارد. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات با افزایش ۹۱ هزار و ۱۰۰ واحدی، (۱.۱۱ درصد) به ۸ میلیون و ۳۳۳ هزار و ۹۶۸ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۱۶ هزار و ۱۹۳ واحدی (۰.۷۵ درصدی) در ارتفاع ۲ میلیون و ۱۸۱ هزار و ۴۱۲ واحد ایستاد. رشد همزمان شاخص کل و هم‌وزن نشان می‌دهد که بهبود بازار تنها به شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز محدود نبود و بخش قابل توجهی از

بازار سهام دیروز (دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵) معاملات خود را منفی آغاز کرد، اما با کاهش تدریجی فشار فروشندگان و تقویت تقاضا، مسیر صعودی در پیش گرفت و در نهایت شاخص کل بورس با رشد بیش از ۹۱ هزار واحدی به کار خود پایان داد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۴۹ هزار و ۵۳۵ میلیارد تومان رسید. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۲۶۸ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. با این حال ارزش کل بازارهای سهام ایران، ۲۸ هزار و ۵۱۱ هزار میلیارد تومان در پایان معاملات دیروز ثبت شد. در روز میانی هفته بیش از ۳۵۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام و صندوق‌های سهامی شد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۱۵۴۷ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. سرانه



نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

آقای پزشک‌های لیست پاداش‌های نجومی را منتشر کنید

امروز بیش از ۲۶ ماه از استقرار دولت چهاردهم در پاستور سپری شده است؛ یعنی بیش از نیمی از عمر قانونی و مدیریتی دولت مسعود پزشکیان به پایان رسیده و تنها حدود ۲۲ ماه باقی مانده است. در ادبیات مدیریتی، زمانی که دولتی از مرز نیمه دوم عمر خود عبور می‌کند، هنگام ارائه کارنامه و نشان دادن ثمره عملکرد است، نه زمان ایستادن در جایگاه یک فعال سیاسی یا منتقد وضع موجود. سخنان دیروز مسعود پزشکیان بار دیگر نشان داد که دولت چهاردهم همچنان در بند گفتاردرمانی و ایفای نقشی منتقد باقی مانده است. با این حال، آقای رئیس‌جمهور همان‌طور که از پاداش‌های میلیاردری خبر داد، باید اسامی این مدیران را نیز منتشر کند تا مردم آن‌ها را بشناسند.

وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین، استعلام صلاحیت‌ها، مقابله با تعارض منافع و جلوگیری از ورود محکومان اقتصادی و امنیتی به کانون‌های ثروت ملی را دارد. آقای پزشک‌های نباید ناکارآمدی سیستم اداری و ناتوانی در تدوین برنامه‌های مدون اقتصادی را به پای نظارت قانونی دستگاه قضا بنویسد. با این حال، مخاطب سخنان پزشک‌های همان‌طور که رهبر شهید انقلاب فرموده‌اند. خود رئیس‌جمهور است.

آیا همه مدیران پاداش میلیاردری می‌گیرند؟

اینکه رئیس‌جمهور از پرداخت پاداش‌های میلیاردری و نجومی به مدیران شرکت‌های دولتی سخن می‌گوید، با توجه به جایگاه‌شان، کاملاً مستند است؛ اما قطعاً همه مدیران دولتی چنین حقوق و پاداش‌هایی نمی‌گیرند و بسیاری از آن‌ها پاک‌دست و صادقانه در حال خدمت به کشور هستند. با این حال، در بین مدیران، افرادی حضور دارند که این پاداش‌های نجومی را دریافت کرده‌اند که شاید تعدادشان بسیار محدود باشد. با وجود این، برای اینکه مردم این افراد را بشناسند و مشخص شود که تمام بدنه مدیریتی کشور نجومی بگیر نیست، دولت باید حتماً اسامی این مدیران را اعلام کند تا ماجرا شفاف شود؛ اینکه چه مدیری و با چه وابستگی‌ای پاداش میلیاردری گرفته است.

دولت چهاردهم همچنین باید فهرست مدیران منصوب‌شده در دوره خود را منتشر کند. چنین اقدامی روشن می‌کند چه افرادی در این مدت به مدیریت شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی رسیده‌اند، سوابق آن‌ها چه بوده و عملکرد شرکت‌ها در دوره مسئولیتشان چگونه بوده است. انتشار این اطلاعات همچنین امکان ارزیابی ادعای دولت درباره فشارهای سیاسی و مداخلات در انتصابات را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، باید مشخص شود چه تعداد مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره از آغاز دولت چهاردهم منصوب یا جابه‌جا شده‌اند و ارزیابی عملکرد آن‌ها چه نتایجی داشته است.

روزنامه نوبنیاد از دولت می‌خواهد فهرست مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی منصوب‌شده از مرداد ۱۴۰۳ تا کنون را منتشر کند. این فهرست باید شامل تاریخ انتصاب، سوابق مدیریتی، نام شرکت، وضعیت سود و زیان و میزان حقوق، مزایا و پاداش‌های پرداختی باشد. اگر دولت این اقدام را انجام ندهد، در روزهای آینده گزارشی از فهرست مدیران منصوب‌شده در شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی در دولت چهاردهم را منتشر خواهیم کرد.

آثار مستقیم آن بر هزینه خانوار و حمل‌ونقل، تصمیم‌گیری اتخاذ می‌شود، اما در موضوع اصلاح مدیریت شرکت‌های دولتی که سال‌هاست محل انتقاد است، همچنان بخش مهمی از سخنان رئیس‌جمهور به بیان ضرورت‌ها اختصاص دارد.

انتصاب ۷۰۰۰ مدیر دولتی

بر اساس آخرین اطلاعات تفریق بودجه سال ۱۴۰۳ دیوان محاسبات کشور، مجموع اعضای هیئت‌مدیره منصوب‌شده از سوی وزرا در شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی حدود ۷۰۰۰ نفر است. از این تعداد، ۱۹۷۶ نفر به وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۱۶۶ نفر به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۰۲۷ نفر به وزارت نفت، ۶۵۵ نفر به وزارت نیرو و ۵۶۳ نفر به وزارت صنعت، معدن و تجارت مربوط بوده‌اند. حدود ۱۶۱۳ نفر دیگر نیز به سایر دستگاه‌های اجرایی تعلق داشته‌اند.

ماجرای حقوق‌های نجومی

ماجرای حقوق‌های نجومی در دولت حسن روحانی، نمونه‌ای روشن از اهمیت شفافیت در پرداخت‌های مدیریتی است. در خرداد ۱۳۹۵، انتشار فیش‌های حقوقی برخی مدیران دولت وقت، واکنش‌های مردم را برانگیخت. دریافتی‌های نامتعارف به یکی از محورهای اصلی انتقاد دولت روحانی تبدیل شد. تجربه آن دوره نشان داد که در موضوع حقوق و پاداش مدیران، صرف وعده برخورد یا تأکید بر اصلاح کافی نیست؛ مردم انتظار دارند اسناد و ارقام روشن منتشر شود و مشخص گردد چه کسانی، بر اساس چه مقرراتی و در برابر چه عملکردی دریافتی داشته‌اند و پاداش نجومی گرفته‌اند. با این حال، وزرای دولت پزشک‌های در روزهای نخست فعالیتشان و با کلمه «وفاق»، نیروهای انقلابی، پاک‌دست و تحول‌خواه در بخش دولتی را عزل کردند و یاران انتخاباتی، اعضای ستادها و هم‌پیمانان خود را بر سر خوان گسترده شرکت‌های دولتی و خصوصی نشان دادند؛ اما وقتی نوبت به پاسخگویی در مورد زیان‌دهی و پاداش‌های چند صد میلیاردری می‌رسد، رئیس‌جمهور می‌گوید: «نمی‌گذارند افراد شایسته‌تر را منصوب کنیم.» پزشک‌های می‌گوید که دستگاه قضایی مانع انتصاب افراد از نظر دولت می‌شود و با «طرح ایرادها» مانع تراز می‌کند! این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که بر همگان روشن است هماهنگی، همراهی و سعه‌صدر سایر قوا، به‌ویژه دستگاه عدلیه با دولت چهاردهم در بالاترین سطح قرار دارد و در قالب «وفاق» تحریف شده است. هرچند قوه قضائیه بر اساس نص صریح قانون اساسی،

شرکت‌های دولتی زیان ایجاد می‌کنند، اما در پایان سال، فوق‌العاده مدیریت و پاداش‌های سنگین می‌گیرند.» پزشک‌های همچنین در نخستین ماه‌های ریاست‌جمهوری خود تأکید کرده بود که «بساط هیئت‌مدیره‌های فامیلی و پاداش‌های نامتعارف باید برچیده شود. ما برای حل مشکلات معیشتی مردم، نیازمند جراحی مدیریتی در این شرکت‌ها هستیم.» او چندی پیش نیز بر انتخاب مدیران بر اساس تخصص، تجربه و شایستگی تأکید کرده و خواستار آن شد که میزان دریافتی و پاداش مدیران، بر اساس عملکرد باشد. او در جلسه هیئت دولت در ۲۵ مرداد امسال، خواستار تدوین شاخص‌های علمی و قابل اندازه‌گیری برای انتخاب، ارزیابی و عزل مدیران و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها شد.

زمان ارائه کارنامه است، نه انتقاد

اکنون پس از ۲۶ ماه، زمان آن رسیده که وعده‌ها با گزارش عملکرد سنجیده شوند و پزشک‌های گزارشی از دستاوردها بدهد، نه اینکه همچنان مانند روزهای انتخابات ریاست‌جمهوری، فقط انتقاد کند. دولت او باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چه تعداد مدیر بر اساس شاخص‌های عملکردی ارزیابی و چند مدیر به دلیل ضعف عملکرد برکنار شده‌اند؟ چه تعداد از شرکت‌های دولتی از زیان‌دهی خارج شده و چه سازوکاری برای جلوگیری از پرداخت پاداش‌های نامتناسب با عملکرد شرکت‌ها به اجرا درآمده است؟ آیا اصلاً مدیران متخلف شناسایی شده‌اند؟ آیا تصمیمی برای تغییر آن‌ها یا بازنگری در پاداش‌های پرداختی اتخاذ شده است؟ تدوین معیارهای علمی و اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی فرایندی پیچیده است و نمی‌توان انتظار داشت همه مشکلات در زمانی کوتاه حل شوند، اما با گذشت بیش از دو سال، امروز باید دولت کارنامه خود را ارائه کند.

پزشک‌های نمی‌توانند از یک سو مسئولیت اداره این شرکت‌ها و انتخاب مدیران را بر عهده داشته باشند و از سوی دیگر، در مقام منتقد درباره مشکلات آن‌ها سخن بگویند. پزشک‌های رئیس دولت است و مدیران اجرایی شرکت‌های وابسته به دولت، در چارچوب اختیارات قانونی از سوی مقام‌های مسئول منصوب می‌شوند. یکی دیگر از محورهای سخنان دیروز پزشک‌های، باز هم موضوع بنزین بود. او با اشاره به اینکه هزینه تأمین و انتقال بنزین حدود ۵ هزار تومان به ازای هر لیتر است، گفت این فرآورده با نرخ ۱۵۰۰ تومان عرضه می‌شود و نمی‌توان هزینه واقعی آن را نادیده گرفت. پرسش اینجاست که چرا در حوزه‌ای مانند قیمت بنزین، با وجود حساسیت اجتماعی و



نیماسوهیلی

روزنامه نگار

رئیس دولت چهاردهم بار دیگر در نقشی منتقد و نامزد ریاست‌جمهوری ظاهر شد و لب‌به‌انتقاد از مشکلات کشور، در حالی که خودش بالاترین مقام اجرایی کشور است. مسعود پزشکیان دیروز در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها، بار دیگر به وضعیت شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی پرداخت و از پرداخت پاداش‌های چند صد میلیون یا حتی چند صد میلیارد تومانی به مدیرانی انتقاد کرد که مجموعه تحت مدیریت آن‌ها، با زیان‌های چند میلیاردری و چند هزار میلیاردری روبه‌رو است. رئیس‌جمهور از وضعیتی انتقاد کرده که در حوزه مسئولیت مستقیم دولت قرار دارد؛ دولتی که مدیران شرکت‌های وابسته به خود را انتخاب می‌کند و مسئولیت نظارت بر عملکرد آن‌ها را بر عهده دارد.

پزشک‌های در این مراسم گفت: «یکی از موضوعات مهم، وضعیت شرکت‌های تحت اختیار دولت است که در حال زیان‌دهی هستند. اداره چنین شرکت‌هایی و مواجهه با زیان‌های چند میلیاردری و چند هزار میلیاردری، مسئله‌ای جدی است. این پرسش مطرح است که چگونه ممکن است شرکتی با چنین حجم عظیمی از سرمایه به زیان‌دهی ادامه دهد و در عین حال، افرادی که مدیریت آن را بر عهده دارند، پاداش‌ها و دریافتی‌های فوق‌العاده‌ای در حد چند صد میلیون یا حتی چند صد میلیارد تومان در سال دریافت کنند؟» او تأکید کرد: «ما حتی به کسانی که این شرکت‌ها را اداره می‌کنند، فوق‌العاده مدیریت پرداخت می‌کنیم؛ در حالی که عملکرد و نتایج کار آن‌ها نباید به دقت ارزیابی شود.» پزشک‌های ارزش شرکت‌های تحت مدیریت دولت و مجموعه‌های به اصطلاح خصولتی را حدود ۷ تا ۱۶ هزار همت اعلام کرد و گفت: «ما مصمم هستیم وضعیت شرکت‌هایی را که در اختیار داریم، اصلاح کنیم؛ شرکت‌هایی که تحت مدیریت دولت یا مجموعه‌های خصولتی قرار دارند. با وجود چنین حجم عظیمی از سرمایه، با مشکلات جدی مواجه هستیم.»

انتقاد پزشک‌های از وضعیت شرکت‌های دولتی و نحوه پرداخت پاداش به مدیران، موضوع تازه‌ای در مواضع رئیس‌جمهور نیست. او ۲۱ خردادماه ۱۴۰۳، زمانی که در قامت نامزد ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو ویژه خبری حاضر شد، صراحتاً همین گزاره را تکرار کرد و گفت: «بسیاری از مدیران مادر

افزایش کالابرگ میان وعده، ثبت نام و تکذیب ماند؛

سردرگمی دولت؛ بلا تکلیفی در سفره مردم

افزایش اعتبار کالابرگ که قرار بود از دومین ماه سال جاری اجرایی شود تا امروز محقق نشده و همچنان با ابهام های جدی همراه است. هر چند دولت چهاردهم افزایش اعتبار برای حدود ۴۰ میلیون نفر را اعلام کرده است، اما آنچه تاکنون به صورت مشخص اعلام شده، افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

شده اند. با این حال، دولت باید اعلام کند خانوارهای کم درآمد خارج از پوشش نهادهای حمایتی، کارگران، بازنشستگان و دیگر اقشار مشمول احتمالی چه زمانی از افزایش اعتبار برخوردار خواهند شد. سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، گفته بود که افزایش اعتبار کالابرگ برای حدود ۴۰ میلیون نفر هدف گذاری شده است؛ جمعیتی که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور (۵ دهک) را تشکیل می دهد.

با این حال، فرایند شناسایی مشمولان به یکی از نقاط بحث برانگیز طرح تبدیل شده است. براساس خبرهای منتشر شده، حدود ۱۸ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار، معادل نزدیک به ۴۰ میلیون نفر، باید برای قرار گرفتن در فهرست مشمولان افزایش اعتبار، اطلاعات خود را در پنجره ملی خدمات دولت هوشمند به نشانی my.gov.ir

تکمیل کنند که مهلت خوداظهاری تا پایان امروز (سه شنبه ۲۱ مهرماه) اعلام شد. اما همزمان با آغاز این فرایند، اختلال سامانه، احتمال موکول شدن ثبت نام به ماه آینده و سپس تکذیب این تعویق منتشر شد؛ هر چند سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد فرایند خوداظهاری در مهرماه ادامه دارد و خبر موکول شدن افزایش کالابرگ به ماه آینده را تکذیب کرد. این رفت و برگشت ها، پرسش هایی درباره آمادگی اجرایی طرح و هماهنگی میان دستگاه های مسئول ایجاد کرده که چه کسی مسئول پاسخگویی به مردم است. با این حال فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، دیروز گفت: افزایش اعتبار کالابرگ برای مهرماه در دستور کار قرار دارد و برآورد اولیه از افزایش حدود ۵۰۰ هزار تومانی حکایت می کند؛ اما رقم نهایی و گروه های مشمول هنوز قطعی نشده است. او با اشاره به نقش سازمان برنامه و بودجه، وزارت تعاون و وزارت امور اقتصادی و دارایی، اعلام جزئیات نهایی را به جمع بندی دستگاه های مسئول و تعیین منابع مالی موکول کرد.

این اظهارات نشان می دهد که حتی در روزهایی که از اجرای افزایش اعتبار در نیمه مهرماه سخن گفته شد، هنوز نمی توان رقم ۵۰۰ هزار تومان را برای همه مشمولان، قطعی و تضمین شده دانست. از یک طرف، پرداخت این رقم برای مددجویان اعلام شده واز طرف دیگر، افزایش اعتبار برای جمعیت هدف ۴۰ میلیون نفری در انتظار نهایی شدن تصمیم هاست که نشان از بی برنامه گی در دولت دارد.

دولت چرا پیش از وعده، منابع را محاسبه نکرد؟

یکی از محورهای اصلی اظهارات سخنگوی دولت، ضرورت تأمین منابع مالی و پرهیز از تصمیمی بوده که امکان استمرار آن وجود نداشته باشد. این ملاحظه از نظر بودجه ای قابل توجه است؛ اجرای یک برنامه حمایتی، بدون پیش بینی منابع، می تواند به تعهداتی منجر شود که دولت در ماه های بعد قادر به اجرای منظم آنها نباشد. با این حال، اگر تعیین منابع مالی شرط اصلی اجرای طرح است، چرا افزایش اعتبار پیش از تکمیل محاسبات و مشخص شدن هزینه نهایی، به عنوان برنامه ای برای مهرماه مطرح شده است و چرا وعده دولت قرار است با هفت ماه تاخیر اجرا شود. این موارد نشان می دهد دولت در نیمه دی ماه بدون برنامه و محاسبات دست به حراجی ارزی زده است.

افزایش ۵۰۰ هزار تومانی در برابر جهش قیمت ها

حتی با فرض پرداخت افزایش ۵۰۰ هزار تومانی به همه گروه های هدف، مسئله قدرت خرید همچنان پابرجاست. افزایش اعتبار زمانی می تواند نقش مؤثری در حمایت معیشتی داشته باشد که با تغییر هزینه سبد کالاهای اساسی سنجیده شود. مبلغی که در یک مقطع بخشی از هزینه خرید ماهانه را پوشش می دهد، در صورت افزایش بیشتر قیمت ها ممکن است دیگر پاسخگوی همان میزان از نیاز خانوار نباشد.

از این رو، افزایش اعتبار نباید صرفاً به یک تصمیم مقطعی تبدیل شود که پس از چند ماه، ارزش واقعی آن کاهش یابد. دولت باید سازوکاری روشن برای بازبینی دوره ای اعتبار اعلام کند.

کالابرگ قرار بود سپری در برابر کاهش قدرت خرید خانوارها به دلیل افزایش قیمت ارز رسمی باشد؛ اما وقتی افزایش آن ماه ها در انتظار می ماند و ثبت نام و زمان پرداخت با خبرهای متناقض همراه می شود، اعتماد مردم به قابلیت اجرای وعده های حمایتی نیز در معرض آسیب قرار می گیرد. اکنون انتظار از دولت پزشکبان روشن است که به جای تکرار وعده افزایش کالابرگ، رقم قطعی، زمان پرداخت و دامنه مشمولان را اعلام کند و اجرای آن را به شکلی منظم و قابل ارزیابی پیش ببرد. تا آن زمان، فاصله میان وعده حمایت از ۴۰ میلیون نفر و پرداخت افزایش اعتبار به بخشی از جامعه، همچنان یکی از پرسش های جدی درباره عملکرد دولت در حوزه معیشت خواهد بود.

نبض اقتصاد

قطع دسترسی ۵ پلتفرم رمزارز به خدمات بانکی

محدودیت های اعمال شده بر فعالیت صرافی های رمزارزی وارد مرحله تازه ای شده است. پس از آنکه در روزهای گذشته بخشی از معاملات تتر در ساعات شب متوقف شد و محدودیت هایی از جمله حذف نمودار بازار و تعیین سقف خرید روزانه برای کاربران به اجرا درآمد، اکنون دسترسی پنج پلتفرم رمزارزی به خدمات بانکی نیز با محدودیت مواجه می شود؛ تصمیمی که می تواند روند دسترسی کاربران به ریال و تسویه معاملات را تحت تأثیر قرار دهد. از ساعت ۱۶ دیروز (دوشنبه ۲۰ مهرماه) دسترسی ۵ پلتفرم صرافی رمزارزی به خدمات بانکی و برداشت غیرحضوری محدود شده و کاربران این پلتفرم ها امکان واریز و برداشت وجه را ندارند. تصمیم برای این اقدام در کمیته ای در مرکز ملی فضای مجازی اتخاذ شده و بانک مرکزی با ارسال نامه ای به بانک ها، اجرای آن را ابلاغ کرده است. پیش از این خبر ایجاد اختلال چند صرافی رمزارزی در بازار ارز و تصمیم بانک مرکزی برای مسدود کردن یک طرفه حساب های بانکی این صرافی ها منتشر شده بود. با این حال صرافی رمزارزی نوبیتکس اعلام کرد که این محدودیت به دلیل پافشاری این صرافی ها بر حفظ حريم خصوصی کاربران و خودداری از ارائه اطلاعات آنها اعمال می شود. این محدودیت سه روزه خواهد بود با این حال احتمال تمدید آن نیز وجود دارد. این اقدام در شرایطی صورت می گیرد که بانک مرکزی طی روزهای گذشته نیز محدودیت هایی را برای بازار تتر اعمال کرده بود. در نخستین مرحله، تعدادی از صرافی های رمزارزی اعلام کردند که براساس الزامات ابلاغ شده، معاملات تتر از ساعت ۲۱ تا ۹ صبح روز بعد متوقف خواهد شد. هم زمان، سقف خرید روزانه تتر برای هر کاربر به ۲ هزار واحد محدود شد و نمودار بازار تتر نیز از دسترس کاربران خارج شد.

نوبل اقتصاد در مسیر مهار تورم و نوسانات

جایزه علوم اقتصادی بانک مرکزی سوئد به یاد آلفرد نوبل در سال ۲۰۲۶ به رابرت ای. هال، استاد دانشگاه استنفورد، و مایکل وودفورد، استاد دانشگاه کمبلیا، اعطا شد. آکادمی سلطنتی علوم سوئد دیروز اعلام کرد این دو اقتصاددان به دلیل پژوهش های خود درباره مبانی خرداقتصادی تثبیت کلان اقتصاد شایسته دریافت این جایزه شناخته شده اند. پژوهش های این دو اقتصاددان بر چگونگی تأثیر تصمیم های خانوارها و بنگاه ها بر عملکرد کلی اقتصاد متمرکز است. مدل های توسعه یافته بر پایه این تحقیقات به دولت ها و بانک های مرکزی کمک می کند پیامد سیاست های پولی و مالی را بهتر ارزیابی کنند و برای مقابله با رکود، تورم و نوسانات اقتصادی تصمیم های دقیق تری بگیرند. براساس دیدگاه کمیته جایزه، اجرای مناسب سیاست های تثبیت اقتصادی می تواند شدت فراز و فرودهای اقتصاد را کاهش دهد. رابرت هال در پژوهش های خود به بررسی رفتار مصرف کنندگان، انتظارات درآمدی و رابطه مصرف با تحولات اقتصادی پرداخته است. مایکل وودفورد نیز با توسعه چارچوب های نظری اقتصاد کلان، به ویژه در زمینه انتظارات و سیاست پولی، در شکل گیری مدل های اقتصاد کینزی جدید نقش داشته است. این رویکردها بر اهمیت تصمیم های آینده نگر خانوارها و بنگاه ها و تأثیر ارتباطات بانک مرکزی بر انتظارات اقتصادی تأکید می کنند. اهمیت این تحقیقات در آن است که سیاست گذاران برای مهار تورم یا مقابله با رکود نمی توانند صرفاً به تغییر نرخ بهره یا افزایش مخارج دولت اتکا کنند؛ بلکه باید واکنش خانوارها و بنگاه ها به تصمیم های اقتصادی را نیز در نظر بگیرند. برای مثال، انتظارات درباره مسیر آینده نرخ بهره می تواند بر تصمیم بنگاه ها برای قیمت گذاری و بر انتخاب خانوارها میان مصرف و پس انداز اثر بگذارد.

ضرورت افزایش سریع اعتبار کالابرگ

رضانعلی

سنگدوبینی، رئیس کمیسیون مشترک صنعت و انرژی مجلس، می گوید: تورم صفر در قیمت کالاهای اساسی می تواند در تمام کشور اجرایی شود. کالاهای اساسی در تهران، حرکت خوبی است که باید این امر به تمامی کشور تسری یابد. امروز ما در تأمین و توزیع کالاهای اساسی هیچ مشکلی نداریم و تنها مشکل، موضوع قیمت کالاهای اساسی است که باید تورم آن کنترل شود. یکی از اقدامات مهم و ضروری دیگر در کنار کنترل قیمت کالاهای اساسی، افزایش مبلغ کالابرگ است که باید هرچه زودتر اجرایی شود. مبلغ کالابرگ، به ویژه برای دهک های ضعیف و آسیب پذیر جامعه، باید افزایش یابد تا از کوچک تر شدن سفره اقشار آسیب پذیر جلوگیری شود.

بین الملل

سناریوی فیرفورده؛ اتهام بزرگ، اسناد مبهم



نخست‌وزیر بریتانیا در تازه‌ترین موضع‌گیری درباره ماجرای پایگاه هوایی فیرفورده، ایران را به هدایت این پرونده متهم کرده است. با این حال، دولت بریتانیا هنوز شواهد علنی و قابل راستی‌آزمایی متناسب با چنین اتهام بزرگی ارائه نکرده است؛ مسئله‌ای که نشان می‌دهد لندن از یک پرونده امنیتی برای پیشبرد دستورکار سیاسی خود علیه ایران بهره می‌برد. ماجرا از بازداشت پنج مرد در نزدیکی پایگاه فیرفورده در ۲۷ سپتامبر آغاز شد. در بازرسی از سه خودروی ون، مقداری بنزین پیدا شد، اما به گزارش پلیس، مواد منفجره دست‌ساز کشف نشد. مظنونان اولیه نیز بدون تفهیم اتهام رسمی آزاد شدند و تحقیقات ادامه یافت. با وجود این، روایت مقام‌های بریتانیایی به تدریج از یک حادثه مشکوک به اتهامی مستقیم علیه سپاه پاسداران رسید؛ بی‌آنکه زنجیره مستند ارتباط مظنونان با ایران به صورت عمومی تشریح شود.

هم‌زمانی این اتهام با تحریم‌های تازه و بیانیه مشترک حدود ۳۰ کشور علیه ایران نیز بر ابعاد سیاسی پرونده افزوده است. این هم‌زمانی می‌تواند اثبات‌کننده طراحی قبلی یا صحنه‌سازی باشد. لندن نمی‌تواند صرفاً با تکرار اتهام و استناد به ارزیابی‌های محرمانه، انتظار داشته باشد افکار عمومی انتساب مسئولیت به ایران را واقعیتی اثبات‌شده تلقی کند. تا زمانی که اسناد روشن ارائه نشده، برای ناظران بی‌طرف اتهام‌زنی به سپاه بیش از آنکه یک نتیجه اثبات‌شده قضایی باشد، ادعایی سیاسی است که باید درباره انگیزه‌ها و مستندات آن پاسخ‌گویی شود.

حملات انصارالله، سرمایه‌گذاران و غول‌های نفتی را از ریاض دور کرد

از فرودگاه ناامن تا فرار غول‌های نفتی

حملات بی‌امان انصارالله یمن به عربستان سعودی و ادامه سیاست محاصره در برابر محاصره، چه در هوا و چه در مسیر دریایی، این کشور را با خسارات گسترده و تحمل ناپذیری روبه‌رو کرده است. از عقب‌نشینی غول‌های نفتی و تهدید منافع چندمیلیارد دلاری ریاض تا کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر و فرسایش توان دفاعی که حتی آمریکا، به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات سعودی، نیز در تأمین، تولید و استقرار جایگزین آنها با محدودیت‌هایی جدی مواجه شده است. اکنون ریاض در شرایطی قرار گرفته که هم‌زمان باید از زیرساخت‌های حیاتی خود دفاع کند، اعتماد سرمایه‌گذاران را حفظ کند و هزینه‌های سنگین گسترش جنگ را بپردازد. وضعیت که ابعاد آسیب‌پذیری راهبردی این کشور را بیش از گذشته آشکار می‌کند.

از عوامل محدودکننده حمایت واشنگتن عنوان کرد.

در چنین شرایطی، عربستان به دنبال جلب حمایت بیشتر متحدان است. به طوری که عربستان سعی کرده است در این مدت با همکاری‌های دفاعی با فرانسه، ترکیه و پاکستان کمی از ضعف پدافندی خود را جبران کند. موضوعی که هرگونه موافقت با آن نیز در مقابل سلاح‌های ارزان یمن که به طور گسترده استفاده می‌شود در مقابل شبکه آسیب دیده از آمریکا در جنگ با ایران و همچنین کاهش قابل توجه سامانه پدافندی، قابل جبران به نظر نمی‌آید.

برای ریاض، مسئله فقط دفع چند حمله نیست. حفاظت هم‌زمان از فرودگاه‌ها، مراکز حکومتی، پایگاه‌های نظامی، خطوط انتقال نفت و پایانه‌های صادراتی، منابع دفاعی قابل توجهی می‌طلبد. در کنار آن، تهدید مسیرهای دریایی دریای سرخ و باب‌المنندب هزینه بیمه، حمل‌ونقل و صادرات انرژی را افزایش داده است.

آنچه امروز در عربستان رخ می‌دهد، بار دیگر نشان می‌دهد که برتری تسلیحاتی و تکیه به ابرقدرتی که خود در دفاع از پایگاه‌ها نیروهای متجاوزش در گِل مانده است، برای تضمین امنیت اقتصادی و سیاسی کافی نیست.

هرچه درگیری طولانی‌تر شود، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی دشوارتر و هزینه‌های اقتصادی آن سنگین‌تر خواهد شد. برای کشوری که امنیت را یکی از پایه‌های اصلی توسعه و جذب سرمایه معرفی می‌کند، بازگرداندن اطمینان به فضای اقتصادی به اندازه تقویت سامانه‌های دفاعی اهمیت دارد که تا ادامه سیاست‌های آمریکایی در منطقه علیه همسایگان هیچگاه محقق نخواهد شد.

و تأسیسات نفتی آرامکو حکایت دارند. این تحولات نشان می‌دهد که دامنه نگرانی ریاض فقط به حفاظت از پایتخت محدود نیست و زیرساخت‌های حیاتی در نقاط مختلف کشور نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

یکی از نشانه‌های قابل توجه تشدید بحران، انصراف مدیران شرکت‌های بزرگ نفتی از حضور در کنگره انرژی شورای جهانی نفت در ریاض است. فایننشال تایمز گزارش داده است که مدیران ارشد شرکت‌های اکسون‌موبیل، شل، بی‌پی و توتال انرژی‌ز قرار بود در این رویداد شرکت کنند، اما برنامه حضور آنها تغییر کرد.

گزارش الجزیره نیز به یکی از مهم‌ترین مشکلات عربستان می‌پردازد که چرا با وجود برخورداری از سامانه‌های پیشرفته و چندلایه پدافند هوایی، برخی موشک‌ها و پهپادها به اهداف خود می‌رسند؟

پاسخ فقط در نوع تسلیحات مهاجم خلاصه نمی‌شود. وسعت جغرافیایی عربستان، پراکندگی تأسیسات نفتی و نظامی و استفاده هم‌زمان از موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و پهپادها، حفاظت از همه اهداف را دشوار می‌کند. در چنین شرایطی، حتی سامانه‌های پیشرفته نیز نمی‌توانند تضمین کنند که هیچ پرتابه‌ای از شبکه دفاعی عبور نخواهد کرد.

مسئله مهم‌تر، محدودیت ذخایر موشک‌های رهگیر است. اسوشیتدپرس به نقل از دو مقام منطقه‌ای گزارش داد که عربستان با کاهش ذخایر رهگیرها مواجه شده و برای دریافت پشتیبانی دفاع هوایی به فرانسه، بریتانیا، پاکستان و مصر روی آورده است. این گزارش همچنین کاهش ذخایر آمریکا در پی جنگ طولانی با ایران را یکی



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

به گزارش فایننشال تایمز، حملات موشکی انصارالله فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض، معادلات امنیتی عربستان را تحت تأثیر قرار داده است. در حمله مقتدرانه و البته از پیش اعلام شده به سران سعودی در خصوص عدم استفاده از فرودگاه، ۱۲ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند. حمله دیگری در روز یکشنبه نیز یک کشته و ۱۱ زخمی بر جای گذاشت.

تکرار حملات به یکی از مهم‌ترین مراکز حمل‌ونقل هوایی عربستان، آن هم در فاصله چند روز، برای عربستانی که همواره در موضوع امنیت با امارات رقابت داشت تا سرمایه‌گذار بیشتری جذب کند، اهمیت فراوانی دارد. فرودگاه پایتخت دروازه ورود هیئت‌های سیاسی، سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت‌های بین‌المللی است و اختلال در فعالیت آن می‌تواند مستقیماً بر اعتبار اقتصادی و تصویر امنیتی کشور اثر بگذارد. در همین حال، انصارالله انتشار هشدارهایی از شرکت‌های هواپیمایی، کارکنان و مسافران خواسته است از فرودگاه‌ها و حریم هوایی عربستان استفاده نکنند. گزارش‌ها همچنین از هدف قرار گرفتن فرودگاه دمام

یادداشت

آتش بس خیالی ترامپ در اوکراین

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

دونالد ترامپ در حالی از توافق روسیه و اوکراین برای آنچه آتش بس انرژی می‌نامد سخن گفت که تحولات بعدی، بار دیگر فاصله میان ادعاهای رئیس‌جمهور آمریکا و واقعیت میدان را آشکار کرد. نه مسکو این توافق را رسماً تأیید کرد و نه حملات متوقف شد. زلنسکی از ادامه حملات روسیه به زیرساخت‌های انرژی اوکراین خبر داد و کرملین نیز ضمن پاسخ به حملات اوکراین، اعلام کرد به جای آتش بس موقت، به دنبال توافق صلح بلندمدت است. در همین حال، اختلاف بر سر خرید گازوئیل روسیه و علت افزایش قیمت سوخت، جبهه تازه‌ای از منازعه میان واشنگتن، کی‌یف و متحدان اروپایی ایجاد کرده است.

ترامپ تصور می‌کرد با توافق برای واردات گازوئیل از روسیه و اعلام توقف حملات به زیرساخت‌های انرژی، می‌تواند هم فشار قیمت سوخت در آمریکا را مهار کند و هم برگ تازه‌ای برای نمایش موفقیت دیپلماتیک خود بسازد. اما این نمایش هنوز به نتیجه نرسیده، با واقعیت تلخ میدان برخورد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد روسیه و اوکراین با آتش بس انرژی موافقت کرده‌اند و حتی هشدار داد که این توافق نباید شکسته شود. با این حال، مسکو نه تأیید روشنی ارائه کرد و نه توقف حملات را پذیرفت.

اوکراین نیز در همان مقطع حملات خود به زیرساخت‌های انرژی روسیه را متوقف نکرده بود و پیش‌تر پایلایشگاه‌های روسیه را هدف قرار داده بود. زلنسکی اعلام کرد اگر روسیه حملات به زیرساخت‌های اوکراین را متوقف کند، کی‌یف نیز آماده توقف حمله به پایلایشگاه‌های روسیه است. موضعی که عملاً نشان می‌دهد توافق اعلام‌شده از سوی ترامپ، دست کم در آن مقطع، نه چارچوب اجرایی روشنی داشت و نه تضمین متقابلی برای پایبندی طرفین.

اختلاف واشنگتن و کی‌یف بر سر انرژی، از این هم فراتر رفته است. زلنسکی درباره افزایش قیمت‌ها گفت که «همه می‌دانند افزایش قیمت‌ها به دلیل جنگ در خاورمیانه و مسدود شدن تنگه هرمز رخ می‌دهد... مردم باید واقعیت را بشنوند. با مردم بازی نکنید.» این اظهارات مستقیماً روایت ترامپ را به چالش کشید. روایتی که تلاش دارد مسئولیت افزایش قیمت گازوئیل در آمریکا را به حملات اوکراین به پایلایشگاه‌های روسیه گره بزند، نه به پیامدهای جنگ آمریکا با ایران و اختلال در بازار جهانی انرژی.

ترامپ نیز با انتقاد از زلنسکی و زیر سؤال بردن توانایی او برای پایان دادن به جنگ، بر آتش اختلافات دمید. هم‌زمان، تصمیم ترامپ برای خرید گازوئیل روسیه با اعتراض شماری از سناتورهای آمریکایی، از جمله جمهوری خواهان، روبه‌رو شد. آنها هشدار دادند که چنین اقدامی در عمل به تأمین منابع مالی روسیه کمک می‌کند. ترامپ می‌خواست آتش بس انرژی را به عنوان دستاوردی سیاسی بفروشد اما وقتی طرف‌های درگیر حتی بر سر اصل توافق هم موضع مشترکی ندارند. این نمایش بیش از آنکه نشانه قدرت دیپلماسی واشنگتن باشد، بیانگر محدودیت نفوذ آن است.

ضربه تازه به ویتترین اقتصادی سعودی

یکی از نشانه‌های قابل توجه تشدید بحران، انصراف مدیران شرکت‌های بزرگ نفتی از حضور در کنگره انرژی شورای جهانی نفت در ریاض است. فایننشال تایمز گزارش داده است که مدیران ارشد شرکت‌های اکسون‌موبیل، شل، بی‌پی و توتال انرژی‌ز قرار بود در این رویداد شرکت کنند، اما برنامه حضور آنها تغییر کرد.

یادداشت

ضیافت اروپایی‌ها با
دیپلماسی یک‌طرفه دولتهادی محمدپناه
روزنامه‌نگار

روابط ایران و کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر، زیر سایه تحریم‌ها، مواضع مداخله‌جویانه و حمایت از سیاست فشار، جنگ و محاصره، به یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود رسیده است. این مساله حتی خود را در تعاملات دیپلماتیک نیز نشان داده است.

به عنوان نمونه بر اساس عرف رایج دیپلماتیک، سفیر جدید پس از ورود به کشور محل مأموریت، معمولاً با وزیر خارجه دیدار می‌کند و مقدمات آغاز فعالیت رسمی خود را انجام می‌دهد؛ مرحله‌ای که با تسلیم استوارنامه به رئیس‌جمهور و تکمیل تشریفات تکمیل می‌شود. با این حال، برخی سفیران اروپایی حاضر در ایران با دهن کجی این اقدام را انجام نداده‌اند.

با این حال، دستگاه دیپلماسی دولت پزشک‌پسندان نه تنها اقدام متقابل و معناداری در این ارتباط انجام نداده که رسوایی جدیدی شبیه به بریدن کیک سالگرد تأسیس دولت جنایتکار سعودی در سفارت ریاض در تهران را با اروپایی‌ها تکرار کرده است.

«نوبنیاد» مطلع شده است که سفارت ایرلند در تهران به تازگی ضیافتی با حضور شماری از سفرای کشورهای اروپایی برگزار کرده و مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه، نیز در این نشست حضور داشته است.

برگزاری چنین دیدارهایی در چارچوب روابط دیپلماتیک بی‌نفسه غیرمعمول نیست؛ اما آنچه این نشست را متمایز می‌کند تلاش این کشورها برای به رسمیت نشناختن دستگاه دیپلماسی ایران بوده است. این اقدام معنادار اما با استقبال معاون عراقچی روبه‌رو شده و به پشت کردن قاره سبز به عرف دیپلماتیک و احترام سیاسی به کشور میزبان توسط چشم آبی‌ها مشروعت داده است.

کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر به شدت شمشیر را برای ایران از رو بسته‌اند. فرانسه، آلمان و انگلیس سال گذشته سازوکار بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را فعال کردند؛ اقدامی که اتحادیه اروپا نیز در پی آن، محدودیت‌های اقتصادی و مالی مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران را دوباره برقرار کرد.

در کنار تحریم‌ها، مواضع برخی دولت‌های اروپایی درباره مسائل داخلی ایران و اتهامات امنیتی مطرح‌شده علیه تهران، بارها به احضار دیپلمات‌های کشورمان در قاره سبز انجامیده است. مداخله اروپا درباره مسائل داخلی ایران و حمایت آنها از جنگ علیه ایران نیز بارها منجر به احضار سفرای اروپایی به وزارت خارجه شده است.

در چنین شرایطی حضور یک مقام ارشد وزارت خارجه در ضیافت با کسانی که حتی عرف دیپلماتیک را در آغاز به کار خود در تهران به جا نیاورده‌اند بسیار عجیب است. اکنون دستگاه دیپلماسی باید روشن کند که حفظ کانال‌های ارتباطی چگونه با مطالبه رعایت متقابل قواعد دیپلماتیک و پاسخ‌گویی درباره اقدامات ضدایرانی پیوند می‌خورد.

اگر برخی دولت‌های اروپایی در قبال ایران سیاست فشار را دنبال می‌کنند، انتظار می‌رود مناسبات دیپلماتیک نیز با صراحت، مطالبه‌گری و توجه به منافع ملی همراه باشد. ضیافت‌های دیپلماتیک نباید جایگزین پاسخ‌خواهی از دولت‌هایی شود که با تحریم، مواضع مداخله‌جویانه یا اقدامات خصمانه، هزینه‌هایی بر ایران تحمیل کرده‌اند.

فشار
بیاورید؛ عقب
می‌نشینیم!

وقتی ظریف
برای توضیح
«تصمیم سخت»
سراغ گلستان و
ترکمنچای و تشبیه
قطع پای بیمار
می‌رود و همزمان
مرعشی می‌گوید
«هر عقب‌نشینی
تاکتیکی که لازم
باشد، باید انجام
شود»، مسئله دیگر
صرفاً اظهار نظر
دو چهره سیاسی
نیست. کنار هم قرار
گرفتن این مواضع
عملاً می‌تواند برای
واشنگتن حامل
یک شکست مشخص
باشد: فشار را
بیشتر کنید؛ این
جریان عقب‌نشینی
بیشتر برای رسیدن
به توافق را تسهیل
می‌کند.

پالس‌هایی که در کنار سخنان اخیر حسین مرعشی، یک پیام خطرناک را به طرف آمریکایی منتقل می‌کند: فشار را افزایش دهید؛ جریانی در داخل همچنان آماده عقب‌نشینی است و تسلیم را با عنوان «تصمیم سخت» صورت‌بندی می‌کند.

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

همان‌گونه که پیش‌تر شهید محسن فخری‌زاده، یکی از چهره‌های کلیدی برنامه هسته‌ای ایران، ترور شد و به این اشاره نمی‌کند که ۲۳ سال خویش‌تنداری هسته‌ای ایران منجر به این شد که تمام آنچه ظریف و روحانی از آن می‌ترسانند یعنی جنگ، ترور و تحریم به ایران تحمیل شود.

****پالس‌های دیگرالگارش‌ها**
اما ظریف تنها نیست. حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی – که منتقدانش سال‌ها درباره مناسبات اقتصادی و بهره‌مندی او از ارتباط خانوادگی با مرحوم هاشمی رفسنجانی اتهاماتی مطرح کرده‌اند و درباره موضوع ارز دولتی واردات خودرو نیز نامش محل بحث بوده است – اخیراً گفته است: «هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد، باید انجام شود تا ایران حفظ شود». مرعشی صریح‌تر ادامه می‌دهد: «ایران، مهم‌تر از هر مسئله دیگری است؛ مهم‌تر از غنی‌سازی و مهم‌تر از حفظ دستاوردهای هسته‌ای» او همچنین تأکید می‌کند: «جمهوری اسلامی باید یاد بگیرد که در مواقع لازم، امتیازهای تاکتیکی بدهد.»

کنار هم گذاشتن این جملات با نسخه «ترکمنچای» ظریف یک پیام سیاسی نگران‌کننده می‌سازد: به طرف آمریکایی گفته می‌شود فشار بیشتری می‌تواند امتیاز بیشتر تولید کند. معنای عملی چنین سیگنالی برای دشمنی که دائماً در حال محاسبه هزینه و فایده فشار است، روشن است؛ جریانی در داخل ایران وجود دارد که در برابر تشدید فشار، از «عقب‌نشینی» سخن می‌گوید و آن را لازمه حفظ کشور معرفی می‌کند.

این نخستین بار طی هفت ماه سپری‌شده از جنگ ۳۹ روزه و شهادت و ترور رهبر شهید نیست که چهره‌های برجسته، به‌ویژه ظریف و روحانی پیام‌هایی از این جنس مخابره می‌کنند. سابقه ظریف حتی بسیار قدیمی‌تر است.

در مذاکرات سال ۲۰۰۴، ظریف نگرانی سیاسی خود را با محمد البرادعی در میان گذاشت و گفت: «بسیاری از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری... از شکست مذاکرات ما سود می‌برند.» او حتی از آسیب دیدن «اعتبار» جریان خود در داخل سخن گفت.

این الگو مهر ۱۳۹۳ در اندیشکده شورای

انتشار هر قسمت تازه از ویدئوی تازه منتشرشده از محمد جواد ظریف، ابعاد تازه‌ای از همان دستگاه تحلیلی غرب‌گرایان را نشان می‌دهد که سال‌ها سیاست خارجی کشور را گرفتار نسخه «امتیاز بده و عقب‌نشینی کن تا غرب خشمگین نشود» کرد.

ظریف در بخشی از این ویدئو می‌گوید: «چرا عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای امضا می‌شوند؟ چون طرف مقابل تا پشت قزوین آمده و در حال حرکت به سمت تهران است تا آن را تصرف کند؛ موجودیت کشور در خطر است. در چنین شرایطی، توافقی انجام می‌دهید تا بقی کشور را حفظ کنید.» او سپس برای تکمیل استدلال خود از مثال قطع عضو استفاده می‌کند: «وقتی فردی به بیماری قند مبتلا می‌شود و پای او سیاه می‌شود... پای او را قطع می‌کنند تا زنده بماند. این‌ها تصمیمات سختی است، اما روزی یک مسئول مجبور می‌شود چنین تصمیماتی را بگیرد.»

این سخنان زمانی معنای متفاوتی پیدا می‌کند که کنار اظهارات دیگر او درباره بازدارندگی هسته‌ای قرار گیرد. ظریف می‌گوید: «کسی که کماکان فکر می‌کند با سلاح هسته‌ای می‌توان بازدارندگی ایجاد کرد، فقط به اسرائیل نگاه کند» و سپس مدعی می‌شود: «اساساً ما گرفتار یک پارادایم بی‌سوادی شده‌ایم.»

ظریف که این روزها با خودشیفتگی محض خود را در مقام نظریه پرداز روابط بین‌الملل نیز می‌بیند، نسخه‌ای را «بی‌سوادی» می‌نامد که قاطبه نظریه‌پردازان برجسته علم روابط بین‌الملل از جمله جان مرشایمر، استفن والت و پیش‌تر کنت والتز، بر نقش بازدارندگی هسته‌ای در بقای دولت‌ها به شدت تأکید و مرشایمر و والت صراحتاً ایران را به ساخت بمب اتم تشویق می‌کنند.

ظریف در این میان اشاره‌ای نمی‌کند که در یک سال گذشته چهار چهره‌ای که از تغییر دکترین هسته‌ای ایران سخن گفته یا به آن گرایش داشتند، یعنی شهید فریدون عباسی، شهید شمخانی، شهید لاریجانی و شهید خرازی، به شهادت رسیده‌اند؛

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

سه شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۵۸



یادداشت

دیدار وزیر فرهنگ با خانه کدام سینما؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

عصر شنبه ۱۸ مهر، صفحه روابط عمومی وزارت فرهنگ خبر داد که وزیر فرهنگ همراه رئیس سازمان سینمایی با هیئت مدیره خانه سینما دیدار و گفت‌وگو کرده است. در ظاهر خبری عادی است: دیدار یک وزیر با یک نهاد صنفی. اما معنای سیاسی هر دیدار را زمان و سکوت‌های پیش از آن می‌سازد. در کودتای دی‌ماه، خانه سینما بیانیه‌ای علیه جمهوری اسلامی منتشر کرد. هر کس هر نظری درباره آن بیانیه داشته باشد، نمی‌تواند انکار کند که موضعی خصمانه علیه نظام بود، از جانب نهادی که خودش را صدای صنف سینما می‌داند. از سوی دیگر، خانه سینما شهادت رهبر شهید جمهوری اسلامی را به جامعه تسلیت گفت و سعی کرد به شکل دلال مسلمانان‌ای با تسلیت شهادت هموطنان در پی حمله آمریکا، دوباره ارجاعی به وقایع دی‌ماه بدهد که تلویحا دوباره جمهوری اسلامی را مقصر جلوه دهد. حالا وزیر فرهنگ با همین هیئت مدیره دیدار می‌کند. پرسش ساده است: در این دیدار چه گفته شد؟ آیا کسی از بیانیه دی‌ماه پرسید؟ آیا درباره سکوت در سوگ رهبر شهید توضیحی خواسته شد؟ یا قرار بود همه چیز بدون حساب و کتاب فراموش شود؟

این دیدار در روزهایی اتفاق می‌افتد که هر روز شاهد ناهنجاری‌های فرهنگی بسیاری در کشور هستیم و حتی یک موضع درست و حسابی از جانب وزارت فرهنگ اتخاذ نمی‌شود. در هیچ دوره‌ای از تاریخ جمهوری اسلامی، وضعیت فرهنگی این چنین پله ورها نبوده است. کافیهست در همین روزها به نمایشگاه‌های گردشگری که در نقاطی از کشور برگزار می‌شود سرک بکشید تا بحران فرهنگی را از نزدیک ببینید.

از پوشش‌هایی که حتی در اروپا هم محل اشکال است بگیرید تا راقصی زنان. یا وضعیت تئاترهایی با مضامین جنسی و هنجارشکنانه را رصد کنید و با خانواده به تماشای فیلم‌های موهن و خانواده‌ستیزی که در حال اکران هستند بروید تا عمق فاجعه مدیریتی وزیر فرهنگ و ارشاد را دریابید. در این موقعیت کمترین کاری که وزیر فرهنگ باید انجام می‌داد، بازخواست از نهادهای ذیل وزارت خانه بود، اما جناب وزیر به جای اقدام برای صیانت از فرهنگ به دیدار کسانی رفته است که خود بخشی از وضع موجود است. نهاد همیشه طلبکار خانه سینما که اعضایش سالها به بهانه فعالیت فرهنگی از مالیات معاف بوده‌اند اما سر بزنگاه به نظام جمهوری اسلامی پشت‌پا زده است.

فرهنگ را نه با دیدارهای دوستانه، بلکه با مسئولیت‌پذیری می‌توان پاس داشت. وزیری که اعتبارش را از نظام می‌گیرد، پیش از هر نشست و عکس یادگاری باید به مردم بگوید با چه مطالبه‌ای واز چه نهادی سخن گفته است. اگر خانه سینما خود را شریک فرهنگ ایران می‌داند، باید نخست در برابر بیانیه دی‌ماه و سکوت در سوگ رهبر شهید پاسخ‌گو باشد. گفت‌وگو بی حساب‌رسی، تنها بی‌اعتمادی را عمیق‌تر می‌کند.

کتاب «مثلی» با حضور جمعی از نویسندگان رونمایی شد

مثلی باید متولد می‌شد

شیخ‌صراف بر عهده داشت، نویسندگان کتاب از جمله وجیهه سامانی، محمدرضا شهبازی، محسن آزادی، محمدامین سلیمی، سمیه عالمی و حامد اشتري، پیرامون دشواری‌های بازآفرینی آن لحظات تاریخی و ضرورت ثبت روایت‌های شخصی برای انتقال تجربه به نسل‌های آینده سخن گفتند. تمرکز اصلی این کتاب، ثبت دقیق و صادقانه تجربیات زیسته افراد مختلف در ساعات نخست این واقعه تأثیرگذار است.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

در این مراسم، محمدرضا شهبازی، مدیر انتشارات حافظه تاریخی ایرانی، به تشریح روند شکل‌گیری کتاب «مثلی» پرداخت. وی با اشاره به ایده اولیه آقای پیرهادی برای جمع‌آوری یادداشت‌ها گفت: «ابتدا تصور می‌شد کار ساده باشد، زیرا همه تجربه مشترکی داشتند. اما در عمل، فرآیند نوشتن با دشواری روبه‌رو شد. شهبازی افزود: «انگار آن ۲۴ یا ۴۸ ساعت از روی نوار حافظه پاک شده بود... هیچ‌یک دقیقا نمی‌دانستند آن ساعات بحرانی را چگونه گذرانده‌اند و برای بازسازی لحظات، ناچار بودند بارها به اعماق حافظه خود رجوع کنند».

شهبازی تأکید کرد مهم‌ترین ویژگی این کتاب، ثبت همان لحظه نخست است. ممکن است این اثر تحلیل تازه‌ای از تاریخ ارائه ندهد، اما به خوبی نشان می‌دهد آدم‌های مختلف در موقعیت‌های متفاوت، از نویسندگان و مجری گرفته تا افرادی در شهرهای دیگر، هنگام مواجهه با این خبر چه تجربه‌ای داشته‌اند. وی خاطرنشان کرد هنوز برای تحلیل همه ابعاد این اتفاق زود است و باید زمان بگذرد تا روایت‌های بیشتری منتشر شود و تصویر کامل‌تری از آنچه بر جامعه گذشته، شکل بگیرد.

مدیر انتشارات حافظه تاریخی ایرانی به دشواری‌های فنی تولید اثر اشاره کرد و گفت: فرایند آماده‌سازی و چاپ کتاب نزدیک به سه ماه طول کشید. گاهی کاغذ موجود نبود، روز دیگر مواد جلد پیدا نمی‌شد و تیم نشر مجبور شد نوع کاغذ را تغییر دهد. شهبازی با ابراز تأسف از افزایش هزینه‌ها، افزود به دلیل قیمت بالای کاغذ و احتمال افزایش حجم و قیمت نهایی، امکان انتشار تعدادی از نوشته‌های دریافت‌شده فراهم نشد. وی با نقل خاطراتی از دیدارها با رهبر شهید، خواستار انتشار هر چه بیشتر اسناد کمتر دیده‌شده از زندگی ایشان شد.

در ادامه، محسن آزادی، مجری برنامه زمانه و از

●

یادداشت

آقایان درباره مفهوم «هم‌میهن» بازاندیشی کنید!

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

هو شدن اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در جریان نمایش «آرش»، نشانه‌ای تأمل برانگیز از تناقض‌های جریان‌های اصلاحات و وفاق است. این برخورد از جانب پایگاه اجتماعی‌ای صورت گرفت که اصلاحات سال‌ها برای جذب و تقویت آن سرمایه‌گذاری سیاسی کرده است و حالا هم جریان وفاق روی همان ریل حرکت می‌کند. جریانی که طبقه متوسط شهری را به عنوان نماد عقلانیت، توسعه و مدارا معرفی می‌کرد، امروز شاهد آن است که بخشی از همین بدنه اجتماعی، حتی در برابر چهره‌ای از همان جریان سیاسی به هو کردن متوسل می‌شود. آن هم در چنین وضعیتی که هر رفتار تفرقه‌افکنانه‌ای می‌تواند به کارت بازی برای دشمن تبدیل شود. اصلاح‌طلبان سال‌ها از همین طبقه برای کسب رأی، پیشبرد پروژه‌های سیاسی و تثبیت موقعیت خود بهره‌بردند. آنان مطالبات، سلاقی و سبک زندگی این قشر را به محور تبلیغات انتخاباتی تبدیل کردند و بارها آن را معیار تشخیص خواست مردم دانستند. اما اکنون باید پرسید محصول این سرمایه‌گذاری سیاسی چیست؟ چرا جریانی که مدعی گفت‌وگو و مدارا بود، با واکنش‌هایی روبه‌روست که حتی چهره‌های نزدیک به فضای سیاسی خودش را نیز در امان نمی‌گذارد؟ البته نمی‌توان همه طبقه متوسط یا حتی تمام حاضران در سالن رایکسان دانست، اما این واقعه فرصتی برای نقد گفتمانی است که سال‌ها خود را نماینده انحصاری عقلانیت معرفی کرده است.

تناقض بزرگ‌تر آنجاست که اصلاح‌طلبان و حامیان وفاق، گاهی مردم را نه بر اساس مشارکت و داشتن حقوق برابرشان، بلکه بر اساس میزان همراهی با سلیقه سیاسی خود ارزیابی می‌کنند. گویی مردم مطلوب، همان‌هایی هستند که به گزینه‌های آنان رأی می‌دهند و دیگران باید در حاشیه بمانند. این در حالی است که مردم مبعوث، پایبندان به ارزش‌های اسلامی و مدافعان استقلال کشور نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از ملت ایران هستند و نمی‌توان آنان را به بهانه تفاوت نگرش سیاسی و انتخاب‌هایشان نادیده گرفت. کاری که جریان وفاق به راحتی آب خوردن در چند ماهه گذشته انجام داده است.

جالب اینجاست که حتی در وضعیت کنونی نیز جریان سیاسی مذکور از این زامبی‌های هوچی عبور نمی‌کند. بقایی در برابر سوال خبرنگاری که از او درباره رفتار هوکنندگان پرسید، پاسخ داد که آنها «هم‌میهنان» او هستند. دلیل روشن است؛ وفاق هنوز به این زامبی‌ها دل بسته است. زامبی‌هایی که در مقابل مطالبات مردم مبعوث علم می‌شوند. همان‌هایی که رئیس‌جمهور و دیگر اصلاح‌طلبان و اصولگرایان اهل معامله با غرب، آنها را «مردم» و «هم‌میهن» می‌نامند و برای پیشبرد سیاست‌های خود، مطالبات آنها را بر جسته می‌کنند.

جنگ رمضان نشان داد که بازاندیشی درباره مفهوم «مردم» و «هم‌وطن» ضروری است، اما به نظر می‌رسد سیاست‌ور قرار است در خواب خرگوشی خود به غفلت ادامه دهد.



«خانم‌والده» با

کدام مجوز به

مدرسه رسید؟

تصاویری از اردوی دانش‌آموزان برای تماشای فیلم «خانم‌والده» در فضای مجازی منتشر شده است. بر اساس قانون، اکران گروهی دانش‌آموزان یک مدرسه تنها در صورتی ممکن است که وزارت آموزش و پرورش برای فیلم موردنظر پروانه حمایتی صادر کرده باشد. اکنون پرسش